

مقاله پژوهشی: استحکام ساخت درونی قدرت نظام ج.ا.ا با نگاه امنیتی (با تأکید بر امنیت سیاسی)

حسین سلیمی^۱، محمد شاه محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۱

چکیده

استحکام ساخت درونی و امنیت سیاسی در زمره موضوعات راهبردی کشورهای انقلابی محسوب می‌شود. محور اصلی مشروعیت نظام سیاسی ایران در دوران بعد از انقلاب اسلامی بر اساس نشانگان امنیت سیاسی شکل گرفته است. ساختار سیاسی ایران بر اساس جمهوری اسلامی پیوندیابنده مشارکت گروه‌های اجتماعی بر اساس مفاهیم و نشانگان اندیشه دینی است. بر همین مبنا سؤال اصلی این مقاله این می‌باشد که رابطه میزان مشارکت سیاسی مردم در استحکام ساخت درونی قدرت ملی ج.ا.ا چیست؟ فرضیه مقاله بر این موضوع تأکید دارد که: «امنیت سیاسی نهادمند منجر به استحکام ساخت درونی قدرت ملی می‌شود».

برای تحلیل علمی چنین مفاهیم و متغیرهایی سعی شده تا ضمن استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بهره‌گیری از تکنیک تحلیل محتوا، به نقد و پردازش کلیه داده‌ها پرداخته شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که جهت مستحکم نمودن پایه‌های درونی قدرت ملی در حوزه امنیت سیاسی مردم، توسعه فضای مناسب سیاسی، انتخاب کارگزاران شایسته و حضور آگاهانه، آزادانه و گسترده و همه‌جانبه مردم، اثربخش‌ترین و نافذترین رویکرد در تحقق استحکام ساخت درونی قدرت ملی ج.ا.ا است.

کلیدواژه‌ها: استحکام، ساخت درونی قدرت، امنیت سیاسی، نهادمندی سیاسی

۱. دانشجوی دکتری امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی (نویسنده مسئول)

salimi@sndu.ac.ir

۲. پژوهشگر و دانش‌آموخته علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی

۱. مقدمه

در شرایطی که رویارویی استکبار با جبهه انقلاب اسلامی رنگ و بوی جدیدی به خود گرفته است، مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) توجه ویژه‌ای به استفاده از استعدادها و ظرفیت‌های بومی دارند؛ از این رو در این شرایط و به منظور متوقف نشدن سرعت پیشرفت کشور و همچنین عبور موفق از این شرایط حساس، تقویت استحکام ساخت درونی قدرت کشور مورد تأکید معظم‌له می‌باشد.

دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه و حضور مردم در اداره حکومت از ویژگی‌های بارز نظام‌های مردم‌سالار است. این خصوصیت به‌ویژه درباره نظام جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه گذشته همواره الهام‌بخش و الگویی برای ملت‌های مسلمان بوده است. در نظام مردم‌سالاری دینی حاکم در ایران، به‌طور متوسط، مردم سالانه در یک انتخابات مهم و سرنوشت‌ساز شرکت کرده‌اند و کارنامه نظام اسلامی و مردم در این زمینه بسیار درخشان است (بی‌نا، ۱۳۹۰، سایت دانشگاه امام صادق).

با توجه به اینکه مشارکت سیاسی از جمله مسائل بسیار مهم و از ویژگی‌های یک جامعه توسعه‌یافته به شمار می‌رود، به‌گونه‌ای که توجه همه دولت‌ها را به خود جلب نموده و همه نظام‌های سیاسی دنیا برای مشروعیت بخشیدن به عملکردشان، خواهان مشارکت سیاسی شهروندان خود، چه به‌صورت اجبار و چه به‌صورت اختیار هستند. هر دولتی که بتواند، جلوه‌های همکاری و همدلی بیشتر مردم را در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به دست آورد، بهتر می‌تواند از اصول، ارزش و منافع ملی دفاع کند؛ زیرا مشارکت سیاسی می‌تواند به‌مثابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل مشکلات، معضلات و بحران‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیت در یک جامعه باشد (نبوی، ۱: ۱۳۹۰).

استحکام ساخت درونی قدرت در هر نظامی، امروزه از جمله مباحث مهمی است که می‌بایست مسئولین نظام به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند؛ زیرا در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی امنیتی - نظامی و زیست محیطی تأثیر خود را نمایان می‌سازد

و در هرکدام از عرصه‌ها اگر یک نظام دارای ضعف باشد، وابسته به خارج شده و نمی‌تواند به صورت مستقل در رسیدن به اهدافش موفق شود. اگر حکومت و نظامی از استحکام درونی قدرت برخوردار شود، می‌تواند در عرصه‌های مختلف در سطح محیط داخلی، منطقه‌ای و فراملی اثرگذار شود و باعث موفقیت نظام در داخل و بیرون می‌گردد. در خصوص نظام ج.ا.ا با توجه به اهداف و چشم‌انداز خود و سیاست حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان و عدم وابستگی به قدرت‌های بزرگ، توجه به استحکام درونی قدرت در همه ابعاد ضروری و لازم است. امروزه با توجه به مسائل مهم منطقه‌ای و جهان و نفوذ و تأثیرگذاری ج.ا.ا در محیط امنیتی خود، قدرت‌های بزرگ را بر آن داشته تا با بهانه‌های مختلف به ساخت درونی قدرت ج.ا.ا ضربه وارد نمایند و نشانه‌گیری خود را برای از بین بردن مشروعیت نظام و تضعیف نهادهای مؤثر در امنیت کشور به کار گیرند؛ بر این اساس ساخت درونی قدرت ج.ا.ا با نگاه به امنیت، مورد نظر این مقاله است. با عنایت به اینکه امنیت دارای ابعاد مختلفی است؛ محقق در این مقاله به بُعد سیاسی که امروزه بیشتر مورد طمع دشمنان است می‌پردازد؛ زیرا تمرکز دشمن بر ناامن کردن کشور از طریق تأثیرگذاری بر مردم است که نمونه آن را در فتنه ۸۸ و انتخابات شاهد بودیم. از آنجا که مردم یکی از اصلی‌ترین ارکان و کانون تقویت نظام و به عبارتی تکیه‌گاه نظام محسوب می‌شوند و حمایت و طرفداری مردم از مسئولین و اصل نظام، باعث استحکام قدرت نظام در داخل می‌شود. از این رو ضرورت دارد با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) به بررسی عوامل مؤثر در استحکام ساخت درونی قدرت ملی ج.ا.ا پرداخته شود؛ لذا یکی از این عوامل امنیت سیاسی است و با توجه به اینکه کشورمان در برهه‌ای مهم و اثرگذار از تاریخ سیاسی خود قرار دارد که به تعبیر ایشان گذار از پیچ تاریخی می‌باشد؛ لذا این تحقیق به دنبال تبیین استحکام ساخت درونی قدرت در بُعد امنیت با تأکید بر مؤلفه سیاسی آن است و سؤال این است که امنیت سیاسی چه تأثیری در استحکام ساخت درونی قدرت ج.ا.ا دارد. فرضیه مقاله بر این موضوع تأکید دارد که: «امنیت سیاسی نهادمند منجر به استحکام ساخت درونی قدرت ملی می‌شود».

۲. نوع و روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی است و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و از طریق تحلیل محتوا به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده و به سؤال تحقیق پاسخ می‌دهد؛ به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید. در این تحقیق ما با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای ضمن گردآوری اطلاعات و داده‌های مرتبط با موضوع، سعی در تبیین رابطه امنیت سیاسی مردم و نقش آن در استحکام ساخت درونی قدرت ملی ج.ا.ا. داریم؛ بنابراین جامعه آماری این تحقیق را اسناد و مدارک و فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) شکل می‌دهد.

۳. مبانی نظری تحقیق

۳-۱. پیشینه

۱. مقاله‌ای با عنوان «نقش اتحاد ملی در استحکام بخشی قدرت درونی نظام با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»

این مقاله با طرح این سؤال که نقش اتحاد ملی در استحکام قدرت درونی نظام چیست؟ درصدد تبیین نقش اتحاد ملی در مقاوم‌سازی استحکام درونی نظام بوده و با استفاده از روش تحقیق کاربردی، توصیفی و گردآوری اسناد، از طریق تحلیل محتوای فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به بررسی نقش اتحاد ملی در استحکام قدرت درون نظام می‌پردازد.

اتحاد ملی به احساس همبستگی ملی، اعتماد مردم به حکومت، افزایش اطمینان مردم به نظام و دستگاه‌های اجرایی، متکی است. با توجه به وضعیت جامعه و تنوع گروه‌های اجتماعی و اقوام، دستیابی به وحدت نیازمند برنامه اجتماعی و فرهنگی فراگیر است.

۲. مقاله‌ای با عنوان «استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی در تعامل مردم و حکومت با رویکرد فازی»

مقاله حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی از طریق تعامل مردم و حکومت به رشته تحریر درآمده است و تلاش می‌کند عوامل مؤثر بر تحقق امنیت مردم‌پایه را از دیدگاه امام علی^(ع) شناسایی و اولویت‌بندی نماید.

بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان بیان نمود، برای اینکه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بتواند ساخت درونی خود را از طریق تعامل مردم و حکومت استحکام بخشد باید حکومت و مردم همواره با همدیگر در تعامل و ارتباط دوطرفه برد-برد باشند که بر اساس یافته‌های پژوهش از ۳۵ عامل اولویت‌بندی‌شده، پنج اولویت نخست عبارت‌اند از: وفاداری مردم به نظام؛ عمل به کتاب خدا و سیره رسول‌الله^(ص)؛ اسلامی بودن حکومت؛ حرکت بر محور ولایت و تأمین امنیت برای مردم. به‌منظور شناخت معنا و مفهوم امنیت سیاسی و نقش آن در استحکام ساخت درونی قدرت، ابتدا مروری مجزا بر معانی لغوی و اصطلاحی مفاهیم امنیت سیاسی و استحکام و قدرت ملی داریم و سپس در ادامه تلاش خواهیم نمود تا با رابطه معنایی این دو را تبیین نماییم.

۲-۳. مفهوم‌شناسی

واژه استحکام اسم مصدر عربی بوده که به معنی محکم بودن، محکمی، استواری، قوام و انسجام بخشیدن به کارها می‌باشد و در اصل از فعل حکم گرفته شده است (انوری، ۱۳۸۲: ۱۳۰). راغب در مفردات می‌گوید: حکم (و حکمه) در اصل به معنی منع است و دانش را از این جهت حکمت می‌گویند که انسان را از بدی‌ها باز می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۵۰۵).

از نظر مقام معظم رهبری، فلسفه وجودی مفهوم استحکام را باید در دو واقعیت جست‌وجو کرد: نخست، داعیه ملت ایران مبنی بر مبارزه با ظلم جهانی (استکبار جهانی)،

«البته این برای خود ملت برکات دارد. وقتی که یک ملت می‌ایستد، از شبکه پرهیمنه پرهیاهوی دشمن واهمه نمی‌کند، علمش هم پیش می‌رود، اقتصادش هم پیش می‌رود، مسائل اجتماعی‌اش هم پیش می‌رود، جوانش هم آگاه می‌شود، بر روی ملت‌های دیگر هم اثر می‌گذارد، فکرش، دینش، شعارش، دنیا را فرامی‌گیرد. شعارهایی که ما یک روز مظلومانه در اینجا سر می‌دادیم، ملت ایران تنها بود، امروز شعارهای تقریباً همه‌جایی در دنیای اسلام شده. یک ملت می‌تواند اثرگذار باشد و می‌تواند خودش را مستحکم کند. این استحکام ادامه پیدا خواهد کرد. ما ان‌شاءالله در علم پیشرفت می‌کنیم، در اقتصاد پیشرفت می‌کنیم، در سازندگی پیشرفت می‌کنیم. این ملت، این جوانان، این همت‌ها، این استقامت‌ها، کشور را مثل دسته گل خواهد ساخت و ان‌شاءالله الگویی خواهد شد برای دنیای اسلام» (۱۳۹۰/۱۱/۲۶). دوم، مقابله با مطامع و اهداف دشمن مبنی بر خصوص دائمی با نظام اسلامی است. به بیان معظم‌له: «عاملی که می‌تواند کشور شما را در مقابل هر افزون‌طلبی، هر انحصارطلبی، هر تجاوز، هر ماجراجوی و هر بحران‌سازی حفظ کند، استحکام ساخت داخلی نظام است» (۱۳۸۲/۰۲/۲۲).

«اگر ما در سند چشم‌انداز... برای کشورمان رتبه اول را در بخش‌های مهم، حیاتی و اساسی پیش‌بینی کردیم: باید به این رتبه برسیم... این رتبه اول بودن هم فقط هوس نیست که بگوییم اول بشویم، نه. به خاطر این است که سرنوشت ملت‌ها امروز به این وابسته است. اگر یک کشوری نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساخت‌های پیشرفت، خودش را تأمین کند و رشد پیدا کند، بی‌رحمانه مورد تظاول قرار خواهد گرفت. ما نمی‌خواهیم مورد تظاول قرار بگیریم... و به هیچ قیمتی اجازه ندهیم این‌ها در اقتصاد ما، در فرهنگ ما، در سیاست ما، در سرنوشت و مقدرات ما دخالت کنند، این احتیاج دارد به اینکه استحکام درونی داخلی پیدا کنیم...» (۱۳۹۰/۰۵/۲۶). «استحکام یک وقت در میدان جنگ است، یک جور بروز می‌کند، یک وقت در میدان گفت‌وگوی با دشمن است، یک جور بروز می‌کند، شما ببینید پیغمبر در جنگ‌های خود، آنجایی که لازم بود با طرف خود و دشمن خود حرف بزند، چه‌جوری حرف می‌زند. سر تا پای

نقشه پیامبر استحکام است: استوار، یک ذره خلل نیست. اگر جنگ است با شدت، اگر گفت‌وگوی است با شدت، اگر تعامل است با شدت، با استحکام. معنایش این نیست که حتماً بایستی دشمن را آرام به کلی پامال و سرکوب کند: نه یک وقت اقتضای سرکوب دارد، یک وقت هم اقتضای سرکوب ندارد: اما در همه حال باید در مقابل دشمن سرسخت بود» (۱۳۹۱/۰۹/۲۵). مفهوم مخالفت دوم، اتکا به قدرت‌های خارجی - و نسخه اقتصادی آن، توسعه برون‌زا - است. «بعضی خیال می‌کنند اگر ما بخواهیم به آمریکا (نه) بگوییم، باید به اروپا تکیه کنیم. مگر ما وقتی در دوره جنگ، با آمریکا مقابل بودیم، به شوروی (که با آمریکا دشمن و مخالف هم بود تکیه کردیم)، دشمنی شوروی سابق در دوره جنگ، کمتر از آمریکا در صحنه عمل نبود. اگر من و شما به شرایط استحکام داخلی عمل کنیم - ملت که عمل می‌کند - دشمن نمی‌تواند ضربه بزند» (۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

در پیشرفت به سمت هدف‌های آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر می‌خواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدف‌ها را دنبال کنیم و چشم به این آرمان‌ها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم (بیانات، ۱۳۹۴).

قدرت درونی

مجموعه قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک ملت که برخاسته از باورها، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، سیاسی آنان بوده و موجب می‌شود تا حداکثر حضور تلاش و صبر ملی را در رسیدن به اهداف حیاتی ملی در اختیار کشور قرار دهد (شاه‌محمدی، ۱۳۹۲، ۱۲).

• امنیت سیاسی

به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف دولت باشد در چارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۸).

صاحب نظران دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با امنیت سیاسی ارائه نموده‌اند که به طور خلاصه شامل موارد زیر است:

الف. امنیت سیاسی از نظر تیندر، معنی و مفهوم خود را از برخورد دولت با تک‌تک مردم به دست می‌آورد (دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور ایران، ۱۳۷۹). امنیت سیاسی از نظر کوهن، عبارت است از: آزادی عمل در انجام انواع کارهای مختلفی که می‌داند خواست حکومت اقتضا می‌کند (کارل کوهن، بیتا: ۱۸۴). امنیت سیاسی از نظر بوزان، ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد (باری بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). امنیت سیاسی، عبارت است از: حدود آزادی فرد در صحنه سیاست و فقدان فشار سیاسی (مهدی منتظر قائم، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

امنیت سیاسی مجموعه فضا و شرایطی است که اهالی کشور برای استفاده از حق مشارکت در حیات سیاسی جامعه بدان نیاز دارند که در قالب حقوق مدنی (حق رأی، حق داوطلبی، حق عضویت در احزاب سیاسی) و حقوق سیاسی (آزادی رقابت اندیشه‌ها و آزادی تبیین زماندار) متجلی می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۶۹). جمع‌بندی: بر اساس تعاریف فوق قریب به اتفاق نظریه پردازان، حوزه امنیت سیاسی را در آزادی شهروندان با حفظ حقوق فردی آنان از سوی نظام سیاسی در راستای ثبات سیاسی نظام حاکم می‌دانند.

• قدرت

در اصطلاح جامعه‌شناسی قدرت عبارت است از توانایی تأثیرگذاری در رفتار دیگران و قابلیت نفوذ در رفتار دیگران، به منظور حصول نتایج دلخواه (نای ۱۳۸۷: ۳۸). قدرت از منظر فقه سیاسی شیعه، عبارت است از: «ایجاد حرکت و دگرگونی در اشکال مختلف آن، در جهت هدایت انسان به سوی سعادت واقعی» (سرور اخلاقی ۱۳۹۰: ۴۷). می‌توان گفت: قدرت ملی به مجموعه توانمندی و اقتدار یک ملت و یک ملت در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، دفاعی و قضایی اطلاق می‌گردد.

• قدرت ملی

قدرت ملی در سیاست به مجموعه توانمندی‌های ارگانیکی دولت اطلاق می‌شود که ناشی از عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد؛ به عبارت دیگر، قدرت ملی مجموعه توانمندی‌هایی است که برای حصول اهداف ملی به کار برده می‌شود. در علوم سیاسی به طور معمول، قدرت ملی در دو حوزه داخلی و خارجی تعریف می‌شود. در حوزه داخلی، از قدرت ملی برای قانون‌گذاری، اجرای عدالت اجتماعی، تنظیم روابط اجتماعی و تأمین امنیت عمومی از طریق سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور؛ نظیر نهادهای قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی، امنیتی و اطلاع‌رسانی استفاده می‌شود. در حوزه خارجی از قدرت ملی برای حفاظت از منافع ملی، تأمین نیازهای ملی، تأمین امنیت ملی و رفع تهدیدهای مرزی و تقویت اعتبار و پرستیژ ملی استفاده می‌کنند (فراسو، ۱۳۹۲: ۲).

• نوع‌شناسی قدرت

قدرت دارای انواع مختلف است و از حیث اثرگذاری در پدیده‌ها و فرآیندهای برون و درون کشوری، می‌توان انواع قدرت را به شرح زیر بیان کرد:

اول- قدرت علمی و فرهنگی

علم مایه قدرت و ثروت است و برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی. از منظر رهبر معظم انقلاب، اقتدار فرهنگی؛ یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیحی دفع شود... اقتدار علمی، یک اقتدار درون‌زا است که به یک ملت اقتدار می‌بخشد، در واقع علم، هم می‌تواند اقتدار اقتصادی و سیاسی ایجاد کند، هم می‌تواند آبرو و کرامت ملی برای یک ملت در چشم جهانیان به وجود بیاورد. یک ملت عالم، دانا و تولیدکننده علم، در چشم جامعه بین‌المللی و انسان‌ها طبعاً باکرامت است (از خطبه نماز جمعه تهران مقام معظم رهبری مورخ ۸۰/۲/۲۸ و بیانات ۸۷/۶/۵ و ۹۲/۵/۱ در دیدار با نخبگان جوان واساتید دانشگاه‌ها) در حقیقت، اقتصاد دانش‌پایه، مولد قدرت فرهنگی است.

دوم- قدرت اقتصادی

«یک رکن اقتدار ملی، قدرت اقتصادی است؛ یعنی کشور از لحاظ اقتصادی بتواند پول ملی خودش را تقویت کند؛ در بازارهای اقتصادی دنیا حضور تأثیرگذار داشته باشد؛ در بهبود وضع اقتصادی کشور از امکانات خودش استفاده کند؛ فقر را در کشور ریشه کن و یا حداقل کم کند و بتواند به عنوان یک کشور ثروتمند و غنی، در مقابل چشم دنیا، کارایی نظام خودش را نشان دهد. این می شود اقتدار اقتصادی، که مسئولان اقتصادی کشور موظفند این کارها را انجام دهند. اقتدار اقتصادی همچنین به معنای این است که در کشور، بیکاری وجود نداشته باشد؛ اشتغال وجود داشته باشد؛ تولید صنعتی و کشاورزی در حد مطلوب باشد؛ از منابع و معادن کشور به نحو بهینه استفاده شود. این هم اقتدار اقتصادی است که بخش های گوناگون نسبت به آن مسئولیت دارند» (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۸۰/۰۲/۲۸).

سوم- قدرت سیاسی

قدرت سیاسی در هر جامعه ای از جایگاه ویژه ای برخوردار است. این نوع قدرت هم به داخل یک واحد سیاسی و هم به جامعه جهانی نظر دارد، که با همین رویکرد در جهت حفظ منافع و مصالح کشور و دفع تهدید و تهاجم خارجی مورد استعمال قرار می گیرد. «قدرت سیاسی را باید قدرتی دانست که در یک جامعه سیاسی و سازمان یافته، برای اداره امور مملکت از قبیل قانون گذاری، اجرا و تضمین انجام صحیح تصمیمات در داخل کشور اعمال می شود و چنین قدرتی برای حفظ منافع و مصالح کشور در مراودات بین المللی و رفع تهدید و تهاجم خارجی ضروری است» (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۵۶).

چهارم- قدرت قضایی

در هر نظامی، در هر اجتماعی، قوه قضائیه حل و فصل کننده اختلافات و حاکم کننده عدل در مقابل ظلم و تجاوز و فساد و این هاست. برای اینکه قوه قضائیه در این هدف والا موفق بشود، به دو چیز احتیاج دارد: یکی قدرت و اقتدار - که باید قوی باشد -

دوم، اعتماد؛ یعنی مردم باید به او اعتماد داشته باشند. قوه قضائیه این دو چیز را نیاز دارد. اقتدار قوه قضائیه را می‌توان با همین زیرساخت‌های انسانی و فنی... تأمین کرد. از نگاه مقام معظم رهبری، «قوه قضائیه با استحکام درونی، با تربیت و به کار گرفتن انسان‌های شایسته، فاضل، امین و درستکار، قوت و اقتدار پیدا می‌کند» (بیانات، ۹۰/۴/۶). «معیار صحت و قوت در قوه قضائیه آن است که حق، احقاق و باطل ابطال شود و بدین ترتیب عدل و انصاف و رعایت حق و ضعفاء و مظلومین و استقرار امنیت در کشور ممکن و محقق گردد» (۱۳۷۳/۰۵/۲۳)؛ بنابراین اجرای قاطعانه و هوشمندانه عدالت، یکی از منطقی‌ترین راهکارهای کسب اقتدار نظام به شمار می‌رود. این تحلیل در بیانات رهبر معظم انقلاب نیز ملاحظه می‌شود که فرمودند: «اگر این قاطعیت، پیگیری، هوشیاری و بی‌ملاحظگی در اجرای حق و عدالت وجود داشته باشد، آن وقت اقتدار نظام مثل خورشید می‌درخشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شوراهای تأمین سراسر کشور، ۱۳۷۹).

پنجم - قدرت دفاعی

نیروهای مسلح یکی از اجزاء بسیار مهم قدرت ملی کشورها به حساب می‌آیند؛ ولی آن وقتی این اقتدار و این مظهر قدرت ملی اهمیت و ارزش مضاعفی پیدا می‌کند که آنچه در او بروز می‌کند، تنها اقتدار به مدد و کمک سلاح نباشد. سلاح مهم است و مرد مسلح، توانای دفاع است؛ اما مهم‌تر از سلاح، نیروی معنوی و قدرت روحی مرد مسلح است. این آن چیزی است که اقتدار ملی یک کشور را به صورت یک اقتدار معنوی و حقیقی و غیر قابل زوال درمی‌آورد. یک ملت با داشتن مردان و جوانان مسلح و سربازان شجاع و رشیدی که دل‌های آن‌ها با نور ایمان روشن است و اراده‌های آن‌ها با قدرت و صلابت ایمان مستحکم است، دارای اقتداری است که نظیر آن را در سراسر جهان - بلکه در سراسر تاریخ - کمتر می‌توان پیدا کرد. امروز شما در چنین کسوتی قرار دارید... در جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح، عظمت و ابهت خود را فقط به قدرت سلاح نشان نمی‌دهند؛ بلکه در کنار آن، اقتدار معنوی آن‌ها وابسته به نیروی ایمانی آن‌هاست (بیانات در دانشکده افسری امام علی^(ع) ۱۳۸۷ / ۰۷ / ۲۸).

۳-۳. چارچوب نظری

الف. امنیت سیاسی از دیدگاه امام و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

عبارت است از حفظ ارزش‌هایی همچون آزادی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، برگزاری انتخابات آزاد، تأسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و حمایت از استقلال نظام سیاسی (صحیفه امام، ج ۴: ۱۱۷).

امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگانه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد، معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردن معارف فکری هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلب نکنند و در طعمی که علی‌الظاهر شیرین هم هست زهر مخلوط نکنند؛ این امنیت سیاسی است (فرماندهی معظم کل قوا، ۱۳۸۳).

ب. قدرت ملی در دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) قدرت در سطح ملی تعریف شده است. قدرت ملی عبارت است از اقتدار یک ملت در ابعاد مادی و معنوی. ایشان با تأکید بر قدرت معنوی، ترکیب و توازن ابعاد قدرت را این‌گونه توصیف می‌نمایند: «روی قدرت معنوی و اراده ناشی از ایمان و انسانیت تکیه کنید و آن را مهم بدانید (بیانات ۱۳۷۶/۰۶/۱۵) ... نظام جمهوری اسلامی بر این پایه‌های قدرت بنا شد. این نظام، متکی به قدرت معنوی و متکی به ایمان و متکی به پایه‌های مستحکم عقیده است... ایمان آحاد مردم، عشق آن‌ها به خدا، به اولیای خدا، به پیامبر، به خاندان پیامبر، این بزرگ‌ترین سرمایه و بزرگ‌ترین ابزار و مایه قدرت برای این کشور است» (بیانات، ۱۳۷۸/۰۸/۲۲).

ج. سازوکارهای استحکام در نگرش امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

مقابله با تهدیدات، بخشی از ضرورت‌های استحکام‌بخش ساخت درونی نظام سیاسی محسوب می‌شود. چنین فرآیندی نیازمند آگاهی اجتماعی و درک نهادمند نسبت به

موضوعات سیاسی و راهبردی خواهد بود. تفکر سیاسی امام خامنه‌ای بر ضرورت مشارکت همکاری جویانه برای تحقق اتحاد ملی شکل گرفته است. وحدت ملی زیرساخت‌های همبستگی اجتماعی و استحکام ساخت درونی را فراهم می‌سازد. درحالی‌که نظام سلطه تلاش دارد تا زمینه‌های لازم برای مشارکت معطوف به گسست اجتماعی در نظام سیاسی ایران را به وجود آورد.

۱. اتحاد مردم و جریان‌های سیاسی: نظام سلطه همواره سعی کرده با ایجاد اختلاف و تفرقه در میان دسته‌ها و اقوام مختلف و همچنین تنش میان جریان‌های سیاسی مختلف به پایه‌های نظام اسلامی ضربه وارد کند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید «دشمن همواره تلاش دارد با استفاده از ابزارهای فرهنگی و ارتباطی پیشرفته و با شایعه و دروغ‌پراکنی میان آحاد مردم تفرقه و نفاق ایجاد کند... در قضیه بعد از انتخابات تردید ایجاد کردند ... اما به دلیل اتحاد و بصیرت مردم به نتیجه نرسیدند».

۲. امید به آینده و دیدی خوش‌بینانه و همراه با اعتمادبه‌نفس به دور از ناامیدی: ایشان در این رابطه به‌طور صریح می‌فرمایند: «عزیزان من شرط اصلح فعالیت درست شما در این جبهه جنگ نرم، یک نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه است، نگاهتان خوش‌بینانه باشد...».

۳. راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی: با توجه به اینکه رسانه‌های معاند غربی سعی در ناکارآمد جلوه دادن نظام و کارگزاران ج.ا.ا و همچنین ایجاد شک و شبهه در مورد ارزش‌های دینی را دارند، از این رو وجود تمهیداتی به‌منظور تبادل آراء و اندیشه‌ها برای جریان‌های سیاسی کشور امری ضروری به نظر می‌رسد. همچنین ایشان در این زمینه می‌فرمایند: بهترین زمینه برای ایجاد فضای اظهار نظر آزاد، تسریع در راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه است.

۴. ایستادگی و عدم سازش در برابر دشمنان انقلاب و نظام اسلامی: شاید بتوان صلابت و ایستادگی مقام معظم رهبری و ملت ایران را بر سر ارزش‌ها، در برابر فتنه‌ها، فزون‌خواهی‌ها، فشارها و تهدیدهای دشمنان، رمز موفقیت نظام در مهار جنگ نرم دشمن

دانست. رهبر معظم انقلاب در این رابطه نیز می‌فرمایند: به صراحت اعلام می‌کنم که ما با نظام سلطه و تسلط چند کشور بر جهان مخالفیم و نخواهیم گذاشت این چند دولت با سرنوست دنیا بازی کنند.

د. شاخص‌ها و عناصر کلیدی استحکام از دیدگاه رهبری

۱. **علم؛ زیربنای اقتدار:** در اسلام به موضوع تعلیم و تعلم توجه زیادی شده است؛ به‌گونه‌ای که در قرآن بیش از ۱۵۰۰ مرتبه واژه‌های مرتبط با عقل، معرفت و اندیشه به کار رفته است (جعفری‌پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). همچنین در سپهر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره مسائل گوناگون کشور، توجه به علم و ضرورت پیشرفت و رشد علمی کشور، به‌عنوان نقطه کانونی، به نحو بارزی خودنمایی می‌کند. از دیدگاه ایشان، علم عامل قدرت است؛ علم، در کنار و همراه با ایمان، دو مؤلفه اصلی ایجاد قدرت ملی می‌باشند. علم کلید اصلی تمدن‌سازی و رسیدن به نقطه مطلوب و همچنین لازمه پیشرفت همه‌جانبه کشور است؛ به‌طوری‌که از دیدگاه ایشان، عقب‌ماندگی علمی، ریشه عقب‌ماندگی در سایر زمینه‌ها محسوب می‌شود.

۲. **اقتصاد درون‌زا:** «در اقتصاد مقاومتی تکیه بر تولید داخلی است، بر استحکام بنیه درونی اقتصاد است. رونق اقتصادی هم این است؛ رونق اقتصادی با تولید حاصل می‌شود، با فعال کردن ظرفیت‌های درونی کشور حاصل می‌شود، نه با چیز دیگر» (بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶).

۳. **عزم راسخ مسئولان نظام (همکاری قوای سه‌گانه):** بدیهی است که قوه مجریه قادر نخواهد بود به‌تنهایی اصلاحات و بهبودهای مطلوب را فراهم آورد و در جریان اقدامات خود نیازمند تمهیداتی از جمله اصلاح در قوانین موجود، تدوین قوانین جدید و یا اقدامات بازدارنده‌ای است که باید در تعامل با سایر قوا به آن دست یابد.

۴. **عزم راسخ مردم (ایجاد اجماع و اراده عمومی):** امروز نیاز به اجماع جدی و اتفاق نظر در میان مسئولان و مردم برای حرکت در این مسیر اجتناب‌ناپذیر است و باید با تدوین نقشه راه و روش رسیدن به نقطه مطلوب، تعامل و گفت‌وگو و بحث علمی و

کارشناسی دیدگاه‌ها را به هم نزدیک کرد. اگر این اجماع وجود نداشته باشد، هرچقدر هم برنامه ارائه دهیم یا موانع را بررسی کنیم، باز به نقطه مطلوب نخواهیم رسید.

۵. داشتن تفکر بسیج و رفتار جهادی: امام راحل و رهبری عزیز پیشرفت کشور را مرهون تفکر بسیجی می‌دانند، بسیاری از پیشرفت‌های کشور مرهون و مدیون تفکر بسیجی است و بدون تفکر بسیجی، پیشرفت حاصل نمی‌شود. تفکر بسیج؛ یعنی استحکام ساخت داخلی قدرت و همه مؤلفه‌های قدرت نظام ناشی از همین تفکر بسیج است. همچنین ترکیب تفکر بسیج از نگاه مقام معظم رهبری ترکیبی از ایمان عمیق و تلاش مخلصانه، گذشت و ایثار، ایستادگی و مقاومت در برابر دشمن است که این یک تعریف جامع از بسیج است. بر اساس این خصوصیات ذاتی بسیج، امام خمینی^(ره) فرمودند: «من همواره به خلوص و صفای دل بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیان محشورم فرماید؛ چراکه در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲۱: ۵۳).

۶. برخورداری از تقوا و ایمان: «نظام اسلامی و جامعه اسلامی با انس روزافزون با قرآن، استحکام درونی پیدا می‌کند و استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها را به جوامع می‌دهد. باید در درون مستحکم بود؛ این استحکام درونی به برکت انس با قرآن حاصل می‌شود. انس با قرآن ایمان را تقویت می‌کند، توکل به خدا را زیاد می‌کند، اعتماد به وعده الهی را زیاد می‌کند، ترس و خوف از مشکلات مادی را در انسان کم می‌کند، انسان‌ها را تقویت روحی می‌کند، اعتماد به نفس می‌دهد، راه‌های تقرب به خدا را برای انسان روشن می‌کند. فواید و منافع انس با قرآن در این بخش، این‌ها است» (بیانات رهبری در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸).

۷. تدوین برنامه بلندمدت و جامع در تمامی بخش‌ها: از واژه برنامه‌ریزی مفاهیمی مانند بُعد زمانی و آینده‌نگری استنباط می‌گردد. از سوی دیگر از آنجا که حرکت‌های فرهنگی جزء حرکت‌های لاک‌پستی و کند محسوب می‌شوند، رسیدن به یک هدف کلان

فرهنگی نیاز به هماهنگی سیاست‌های چند دوره دارد. لذا باید به استحکام ساخت درونی به‌عنوان یک طرح ملی و درازمدت نگاه کرد.

۸. **تقویت اعتماد به نفس ملی:** عزت ملی در مدیریت کشور به این معناست که یک دولت و یک نظام، به ملت و مردم خود متکی باشد و در مسیر پیشرفت از توان داخلی خود بهره‌گیرد. از این رو رهبر انقلاب ایجاد و تقویت اعتماد به نفس ملی را از مشخصات عصر امام^(ره) می‌داند؛ چراکه در دوران طاغوت، روح غرور و افتخار ملی ایرانیان توسط قدرت‌های خارجی میرانده شده بود و چنین القا می‌شد که اسلام قدرت عزت‌آفرینی برای ملت ایران ندارد و لذا چاره‌ای جز تمسک به الگوی سرمایه‌داری غربی یا مارکسیسم شرق نیست؛ اما انقلاب ایران با رهبری امام، روح بیداری و جرأت و اعتماد به نفس را در ملت ایران و سایر ملت‌های حتی غیرمسلمان زنده کرد.

ه. آگاهی سیاسی از دیدگاه رهبری مرتبط با امنیت سیاسی

۱. **بصیرت:** بصیرت و آگاهی سیاسی به‌مثابه چشمی است که اگر نداشته باشیم، آن دو عنصر دیگر در حرکت به ما کمک نخواهند کرد. باید سه عنصر اصلی قاعده را حفظ کرد (مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب و اساتید حوزه علمیه قم و روحانیون بیست کشور جهان ۱۳۶۸/۰۳/۲۲).

۲. **اتکاء به آراء، اراده و آگاهی مردم:** نظامی که باطن قوی و قابل اتکایی دارد، نظامی است که مبنای حقیقی قدرت - یعنی آراء و اراده و حضور مردم - در آن تأمین شده باشد. اگر به نظام‌های دنیا نگاه کنید، خواهید دید که غیر از جمهوری اسلامی، هیچ کشور دیگری تا این اندازه به آراء و اراده و حضور مردم متکی نیست و این وسیله استحکام نظام ماست. وظیفه یکایک مسئولان و مردم این است که حضور قوی و اراده مستحکم عمومی را با تمام وجود حفظ کنند (مقام معظم رهبری در مراسم بیعت گروه کثیری از بازاریان و اصناف، ۱۳۶۸/۰۴/۱۴).

۳. **حضور در صحنه (مشارکت سیاسی):** انتخابات، فقط یک پدیده سیاسی نیست. انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق و مظهر توانایی و اقتدار ملی

برای یک کشور است. امروز در دنیا چه در کشور ما و چه در هر جای دیگر روی این حساب می‌شود که چند درصد از کسانی که می‌توانستند رأی بدهند، در یک انتخابات شرکت کردند و رأی دادند. از نظر مردم دنیا و تحلیلگران و سیاست‌گذاران عالم، آن نظامی مستحکم است که تعداد بیشتری از مردمش در هنگام انتخابات پای صندوق‌ها بیایند و رأی بدهند، این نشانه استحکام یک نظام است (مقام معظم رهبری بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶).

۴. پیوند مردم و مسئولان (مردمی بودن): از دیدگاه رهبر حکیم انقلاب، نظام

سیاسی جمهوری اسلامی بر ایمان و عقیده و دین و عواطف استوار است. ایشان در این باره می‌فرمایند: این رابطه‌ای که امروز بین این خدمتگزار شما و شما جوان‌ها در این منطقه و در دیگر مناطق کشور وجود دارد، این پیوند مستحکمی که بین مسئولان و مردم در سرتاسر کشور وجود دارد، یک چیز بدیع و جدید و بی‌سابقه و بی‌نظیری است. هیچ‌جا این‌طور نیست. این پیوند، یک پیوند تعارف‌آمیز نیست؛ یک پیوند دینی است؛ علت دشمنی عمیق آن‌ها با اصل «ولایت فقیه» همین است. اصل «ولایت فقیه»، یعنی ایجاد میلیون‌ها رابطه دینی میان دل‌های مردم با محور و مرکز نظام (مقام معظم رهبری بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل، ۱۳۷۹/۰۵/۰۵)

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) اقتدار سیاسی را پایه‌ای از اقتدار ملی دانسته و می‌فرماید: اقتدار سیاسی این است که کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست در دنیا حضور فعال داشته باشند؛ به آن‌ها تحمیل سیاسی نشود؛ کسی نتواند به آن‌ها زور بگوید؛ کسی نتواند در اوضاع سیاسی آن‌ها دخالت کند؛ کسی نتواند در اوضاع داخلی کشور آن‌ها انگشت ایزد دراز کند. اقتدار سیاسی - که بخشی از اقتدار ملی است - این است که گروه‌ها و مجموعه‌های سیاسی در داخل کشور - چه آن‌هایی که اسم حزب و گروه دارند، چه آن‌هایی که اسم گروه و حزب ندارند؛ بسیاری از مجموعه‌های دانشجویی و روحانی و سایر مجموعه‌های گوناگون در کشور ما سیاسی‌اند؛ گرچه حزبی هم ندارند - بتوانند آگاهی‌های سیاسی و تشخیص‌های

درست سیاسی پیدا کنند تا در مواقع لازم قادر باشند پشت سر دولت بایستند. اقتدار سیاسی این است که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسئولان کشور باشد. این گوشه‌ای از اقتدار سیاسی است (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۰۲/۲۸).

و. امنیت سیاسی در دین مبین اسلام

۱. امنیت سیاسی در قرآن

«قرآن پژوهی» در حوزه امنیت یکی از موضوعاتی است که بایستی مورد توجه قرار گیرد. از دیدگاه قرآنی، حکومتی می‌تواند مشروعیت و مقبولیت داشته باشد که کارگزاران آن دارای دو صفت ایمان و عمل صالح باشند. لذا یکی از رموز وجود امنیت سیاسی، فقدان سخت‌گیری و خشونت‌ورزی حکومت با مردم و اعمال تساهل و تسامح لازم با آنان در بستر عدالت‌ورزی است و این امر مایه جذب قلوب مردم و همگرایی ایشان با نظام سیاسی گشته، انس، الفت، اتحاد، همدلی، ثبات و امنیت سیاسی را به ارمغان خواهد آورد. جذب قلوب نتیجه عمل صالح، عدل و عدالت‌پیشگی کارگزاران سیاسی است.

• **اصل توحید:** این اصل با محوریت دادن به نظام هستی و انسجام‌بخشی به شبکه ارتباطی پدیده‌های مختلف، انسان را از «آشفتگی» و «پریشانی» در سطح فردی و جمعی رهایی بخشیده و زمینه نیل به «آرامش» و «اطمینان» سیاسی را فراهم می‌سازد. خداوند متعال در قرآن کریم به کسانی که به خدای یگانه اعتقاد داشته و خداپرستی را پیشه خود کرده‌اند و در همه مصائب و مشکلات به او اتکا دارند، وعده آرامش خاطر و تقویت توان در برخورد با مشکلات را داده و این اعتقاد را زمینه‌ساز احساس و ایجاد امنیت دانسته است: «پاداش کسانی که ایمان آورده و بر عمل صالح‌اند، آن است که خدایشان ایشان را از ترس رهایی بخشیده و احساس ایمنی به آن‌ها ارزانی می‌دارد...» (سوره نور، آیه ۵۵).

• **اصل ایمان:** در سوره انعام می‌فرماید: «کسانی که ایمان پیشه ساخته و آن را به هیچ ستمی نیالوده‌اند، برای چنین کسانی ایمنی و آرامش خاطر باشد و هم ایشانند که راه هدایت را دریافته‌اند» (سوره انعام، آیه ۸۲).

• **اصل ولایت:** ولایت به معنای خاص آن به پذیرش اصل تصدی امور مسلمین از ناحیه خداوند متعال دلالت دارد. چنانچه در قرآن کریم تصریح شده است: «حکمرانی جز از آن خدای متعال، برای کس دیگری نیست» (سوره یوسف، آیه ۶۷). این تصدی عام است و حاکمیت سیاسی را نیز شامل می‌شود. ضرورت عقلی تأسیس حکومت برای تدبیر امور جامعه اسلامی، موجب شده تا ولایت الهی، رسول خدا^(ص) و ائمه اطهار^(ع) را شامل شود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا و رسولش و اولی الامر اطاعت کنید» (سوره نساء، آیه ۵۹). با استناد به این آیه، فقهای مسلمان از سه نوع «ولایت» در ذیل ولایت عام الهی در سطح سیاسی - اجتماعی سخن گفته‌اند: «ولایت رسالت»، «ولایت امامت» و «ولایت زعامت» که در مورد اخیر، فقیه جامع الشرایط با انتخاب مردم به نیابت از امام عصر، تصدی امور حکومت را عهده‌دار می‌شود.

• **اصل سعادت:** انسان در اسلام از آن حیث که مورد کرامت الهی واقع شده، بر کلیه موجودات برتری دارد و چون این کرامت عام و مشمول نوع بشر می‌شود، در تک تک انسان‌ها معنا یافته و موضوعیت دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «هر آینه فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در خشکی و دریا برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خویش برتری بخشیدیم» (سوره اسراء، آیه ۷۰)، (غریاق زندی، ۱۳۸۷: ۵۴).

۲. معنا و مفهوم امنیت سیاسی از منظر پیامبر مکرم اسلام^(ص)

بحث «سیره» تجربیات پیامبر اسلام^(ص) و حضرت علی^(ع) از اموری است که جنبه‌های نظری و عملی در آن با هم پیوند دارند و تحلیل این دوران دارای اهمیت زیادی است. بحث و بررسی احادیث در این خصوص قابل توجه است، زیرا نشان می‌دهند که پیامبر^(ص) و ائمه معصومین در حوادث و موقعیت‌های مختلف، چه سخنان و رهنمودهایی ارائه کرده‌اند. پیامبر^(ص) مردم را در امور سیاسی مشارکت می‌داد و از نظرات و برنامه‌های آنان به‌خوبی بهره

می‌برد. این مشارکت‌ها میزان حمایت مردم از استراتژی اتخاذشده را بالا برده و آنان خود را در تمامی مراحل سهیم می‌دانستند. پیامبر اکرم بحران‌ها را نیز با هم‌فکری اصحاب به انجام می‌رساندند، از اصحاب، نظر می‌خواستند و از توصیه‌ها و نظرات آنان نیز استفاده می‌کردند. برای نمونه به چند مورد از نظرخواهی‌های آن حضرت از اصحاب خود اشاره می‌کنیم. مورد اول، زمانی که پیامبر و اصحاب کنار چاه‌های بدر از آمدن لشکر مسلح قریش مطلع شدند، پیامبر در مورد مقابله یا عدم مقابله نظر آنان را جویا می‌شود و به‌ویژه نظر انصار که با ایشان تنها پیمان دفاعی بسته بودند را نیز جویا می‌شوند، آنگاه که نظر اکثریت را بر مقابله با قریش می‌یابند به نبرد تن می‌دهند. مورد دیگر در جنگ احد بود که از اصحاب نسبت به محل جنگ کسب نظر کردند، همه‌پرسی در مورد اینکه آیا در مدینه بمانند و جنگ کنند یا بیرون از مدینه به نبرد با دشمن پردازند. مورد سوم نیز نظرخواهی در مورد نحوه نبرد در جنگ خندق یا احزاب بود که پس از مشورت با اصحاب، نظر سلمان مبنی بر حفر خندق عمل می‌شود. همچنین پیامبر در مورد نحوه برخورد با یهود بنی‌قریظه پس از جنگ خندق داوری را به سعد بن معاذ سپردند (جعفر سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

۳. معنا و مفهوم امنیت سیاسی از منظر حضرت علی(ع)

امام علی(ع): «نعمتی گواراتر از امنیت نیست»^۱.

ایشان می‌فرمایند: «پروردگارا تو می‌دانی که آنچه ما انجام داده‌ایم، نه برای این است که حکومتی به دست آوریم و نه برای این است که از متاع پست دنیا چیزی فراهم نماییم. بلکه به خاطر این است که نشانه‌های از بین رفته دین تو را بازگردانیم و اصلاح را در شهرهای تو آشکار نماییم تا بندگان ستم‌دیده تو در امنیت قرار بگیرند». بر این اساس امام علی(ع) فلسفه حکومت خود را برقراری امنیت، دفاع و مقابله با دشمنان، حمایت از حقوق مظلومان و تأمین رفاه و آسایش جامعه برمی‌شمارد (همان).

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱.

۲. نهج‌البلاغه، کلام ۱۳۱.

در اندیشه سیاسی حضرت امیر^(ع) نقش حکومت و مردم در تأمین امنیت سیاسی جامعه اهمیت به‌سزایی دارد و این نقش از طریق مشارکت و حضور فعال سیاسی و اجتماعی تبلور می‌یابد. حضرت علی^(ع) در دوره حکومت خود نه تنها آزادی را محدود نکرد، بلکه با صراحت بر گسترش آزادی‌های مشروع تأکید ورزید. بنابراین، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی توده مردم و حتی مخالفان در دوران حکومت حضرت^(ع) به‌طور کامل رعایت می‌شده است. ایشان در برخورد با سه گروه قاسطین، ناکثین و مارقین تا زمانی که اقدام عملی علیه حکومت نکرده و دست به شمشیر نبردند، به مقابله برنخواست. جنگ حضرت با آنان در واقع نوعی جنگ تدافعی برای حفظ امنیت و ثبات جامعه بود. ولی با وجود این آزادی‌ها، خط قرمزی وجود داشت که هرگاه مخالفان از این خطوط تجاوز می‌کردند حضرت به‌شدت با آنان برخورد می‌کرد. این خطوط امنیت، اصول و مبانی اسلام و حدود الهی است. بنابراین، جمع معقوله آزادی‌های مشروع و امنیت سیاسی با استناد به متون دینی با رعایت مؤلفه‌هایی؛ مانند رعایت کامل حقوق متقابل والی و مردم، مشورت‌پذیری، شایسته‌سالاری، نقد قدرت سیاسی، آزادی بیان و عقیده تا حد زیادی قابل تحقق است و هر یک می‌تواند به تقویت دیگری کمک نماید و هیچ تعارض و تضادی با هم ندارند. جامعه امن جامعه‌ای قانون‌گرا است که در آن قوانین رعایت شده و به‌صورت عادلانه اجرا می‌شود و همه مردم در برابر آن مساوی هستند و رهبران جامعه قانون‌پذیرترین انسان‌ها باشند؛ در این صورت است که حقوق امنیتی و غیرامنیتی همه افراد مورد توجه قرار می‌گیرد و در نتیجه امنیت سیاسی فراگیر می‌شود (عبدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶-۸۸). در فرمایشات و تصمیمات حضرت علی^(ع) در دوران کوتاه حکومتش، نمونه‌های فراوانی از اهتمام آن حضرت بر اجرای قانون به دور از هرگونه ملاحظات سیاسی و اجتماعی و فردی وجود دارد، از جمله:

(۱) **برابری در مقابل قانون:** نامه حضرت علی^(ع) به سهل بن حنیف انصاری فرماندار مدینه، در سال ۳۷ هجری: (آن‌گاه که گروهی از مدینه گریخته و به معاویه پیوستند) «وَ عَلِمُوا أَنَّ النَّاسَ عِنْدَنَا فِي الْحَقِّ أَسْوَةٌ فَهَرَبُوا إِلَيَّ الْأَثَرَةَ فَبُعْدًا لَهُمْ وَ سَحْقًا! وَ دانستند که

همه مردم در نزد ما، در حق یکسانند پس به سوی انحصارطلبی گریختند، دور باشند از رحمت حق و لعنت بر آنان باد» (نهج البلاغه، نامه ۷۰).

(۲) برابری حاکم و مردم در داشتن حق و تکلیف: در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است؛ حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرده و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داده است. پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آنکه زمامداران اصلاح شوند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری و رعیت (نهج البلاغه، خطبه، ۲۱۶).

(۳) اجرای قانون بدون تبعیض: یکی از اموری که حضرت امام علی^(ع) به آن اهتمام می‌ورزیدند، اجرای قانون الهی به معنای واقعی بود و اگر کسی برخلاف قانون مرتکب عملی می‌شد، بدون در نظر گرفتن موقعیت و مقام وی، حدود الهی را اجراء می‌کرد و هیچ واسطه و یا شفاعت شفاعت‌کننده‌ای را نمی‌پذیرفت و همواره به کارگزاران حکومت اسلامی نیز تأکید بر اجرای بدون تبعیض قانون داشت. از جمله اینکه در فرمان به مالک اشتر می‌فرماید: «حق و قانون را درباره کسی که لازم است اجرا کن، بی توجه به اینکه آن شخص از نزدیکان به شمار می‌آید».

(۴) انتخاب کارگزاران بر اساس ضابطه: حضرت علی^(ع) در سال ۳۸ هجری طی نامه‌ای به مالک اشتر که معروف به عهدنامه مالک اشتر است می‌فرماید: «برای فرماندهی سپاه کسی را انتخاب کن که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر^(ص) و امام تو بیشتر باشد و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید و عذرپذیر باشد و بر ناتوان رحمت آورد و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند، دوستی او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

(۵) مجریان صالح: با وجود قوانین خوب اما بدون مجریان صالح و توانمند، اهداف قانون را در جامعه نمی‌توان تحقق بخشید تا مردم از نتایج آن بهره‌مند شوند و مجریان قانون علاوه بر داشتن مهارت و دانش باید از ایمان، اعتقاد، کرامت نفس و اخلاق حسنه برخوردار باشند و احساس تعهد و مسئولیت بالایی در احقاق حقوق

مردم و خدمتگزاری داشته باشند و هرگز در اجرای قانون مرعوب صاحبان قدرت یا تهدیدکنندگان نشده و جز به حق عمل نکنند و خود قانون‌گراترین افراد جامعه باشند.

از این رو است که حضرت علی (ع) از به‌کارگیری مجریان بد سابقه نهی کرده آنجا که می‌فرماید: «انَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيْرًا وَمَنْ شَرِكُهُمْ فِي الْأَثَامِ؛ بدترین وزرا کسانی هستند که وزیر زمامداران بد و اشرار پیش از تو بوده‌اند، کسی که با گناهکاران در کارها شرکت داشته است» (نهج‌البلاغه، نام ۵۳).

۴. معنا و مفهوم امنیت سیاسی از منظر شهید مطهری

امنیت سیاسی در جامعه اسلامی باید دارای جاذبه و دافعه باشد، زیرا اگر بخواهد تنها امنیت را با تکیه بر قدرت مقام (دافعه) ایجاد کند؛ امنیت ایجادشده ظاهری و کوتاه‌مدت است و در درازمدت، مدیریت را با شکست مواجه خواهد کرد، ولی اگر با تکیه بر قدرت و نفوذ شخصی و با تأثیرگذاری بر رفتار دیگران (جاذبه)؛ مدیریت و رهبری کند؛ امنیت ایجادشده، پایدار و بادوام خواهد بود (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۸-۲۱).

بدین ترتیب، فقدان سخت‌گیری و خشونت‌ورزی سیاسی حکومت با مردم و اعمال تساهل و تسامح لازم با آنان که در بستر عدالت سیاسی صورت می‌پذیرد، مایه جذب قلوب مردم و همگرایی ایشان با نظام سیاسی گشته و انس، الفت، اتحاد و همدلی، ثبات و امنیت سیاسی را به ارمان خواهد آورد. جذب قلوب، نتیجه عمل صالح و عدل و عدالت‌ورزی کارگزاران سیاسی نسبت به مردم است.

جدول مؤلفه‌های امنیت‌ساز و امنیت‌سوز در گفتمان الهی

وضعیت نامن	وضعیت امن
مؤلفه اول خروج از دین و یا تضعیف مبانی اعتقادی آن به بروز ناامنی برای فرد و جامعه کمک می‌کند.	مؤلفه اول پذیرش اسلام مایه سلامت و ایجاد ایمنی است. توحید
مؤلفه دوم ضعف ایمان به بروز بی‌ثباتی در درون فرد و در شبکه روابط مسلمانان منجر می‌شود.	مؤلفه دوم ایمان برای فرد آرامش، برای جامعه وفاق و برای جهان اسلام وحدت می‌آورد. ایمان
مؤلفه سوم ضعف در مدیریت قدرت و عدم جلب رضایت مردم به تضعیف قدرت و افزایش آسیب‌پذیری جامعه منجر می‌شود.	مؤلفه سوم انتخاب رهبران صالح و تنظیم رابطه آن‌ها با مردم به صیانت جامعه و تولید رضایت منجر می‌شود. ولایت
مؤلفه چهارم ارجحیت بخشیدن به قدرت، منجر به حاکمیت نگرش سلبی در معادلات امنیتی خواهد شد.	مؤلفه چهارم امنیت انسانی از طریق اولویت‌بخشی ارزش انسان بر قدرت، در مکتب اسلام تأمین و تأیید می‌شود. سعادت
مؤلفه پنجم بی‌مسئولیتی در مقابل حقوق مردم توسط مدیران و رهبران خودکام.	مؤلفه پنجم تأمین امنیت مردم از طریق هدایت رهبران مسئولیت‌پذیر و دلسوز هدایت

اقتباس: (غریایق زندگی، ۱۳۹۲: ۸۶) و (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۴۲)

ز. امنیت سیاسی در غرب

تا اواسط دهه ۱۹۶۰، امنیت سیاسی را اصولاً استمرار انواع خاصی از نظام سیاسی یا تداوم آن‌ها تعریف می‌کردند. لیپست در کتاب «انسان سیاسی» نظام‌هایی را که دارای حکومت دموکراتیک مستمر بوده‌اند یا در طول سال‌های معینی از حکومت (توتالیتار) امنیت و پایداری داشته‌اند، «ایمن و باثبات» قلمداد می‌کند و آن‌هایی را که بین این دو حالت در نوسان بوده‌اند، «ناامن و بی‌ثبات» معرفی می‌کند (لیپست، ۱۹: ۷۴-۶۴).

با ظهور مطالعات نظری درباره امنیت ملی در دهه ۱۹۶۰، امکان طرح امنیت در چارچوب‌های اندیشه و تفکر حوزه امنیت سیاسی نیز فراهم شد. چرخش‌های نظری و

علمی در قلمرو نظریه‌های سیاسی و علم سیاست در دهه ۱۹۶۰ م. بازگشتی دوباره به دولت و مرجعیت آن را در توسعه جوامع در پی داشت که آثار تألیفی زیادی در این زمینه پدیدار شد. در بخشی از علم سیاست، یعنی قلمرو امنیت پژوهی نیز ما شاهد پیدایش مطالعات جدیدی در باب امنیت سیاسی هستیم که برای نخستین بار مطالعات مربوط به امنیت سیاسی را از دایره تنگ مسائل راهبردی نظامی خارج ساخت و بابتی در ابعاد نظری و روشی امنیت پژوهی گشود. از این رهگذر بود که امنیت پژوهی نسبتی با اندیشه امنیت سیاسی برقرار کرد (اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸: ۶۹). در همین دوران و اوائل دهه ۱۹۷۰ نخستین بار بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» اصطلاح یا مفهوم «امنیت سیاسی» را مطرح و در چارچوب منطق جدید، امنیت را در درجه اول در قلمرو دولت ترسیم می‌نماید. این ادعای وی در مسیر باز کردن و تشریح ابعاد و اقسام امنیت در طول کتاب به‌طور ضمنی تأیید می‌شود. از نظر وی امنیت جوامع به پنج دسته تقسیم می‌شود: «امنیت سیاسی ناظر بر امنیت، پایداری و ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشند» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

همچنین از نظر باری بوزان امنیت جوامع بشری به پنج دسته امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم می‌گردد که البته سخت به یکدیگر مرتبط‌اند (همان). با توجه به مسئله بزرگ‌تر بوزان در این کتاب، یعنی مطالعه نظری امنیت ملی، وی به درستی بر اهمیت و برجستگی امنیت سیاسی در محیط امنیت ملی انگشت نهاد؛ زیرا وی ادعا می‌کند که دولت نقش بزرگی در جوامع جدید در همه ابعاد به‌خصوص بُعد امنیت سیاسی کسب کرده است (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۱۰۷-۱۰۵).

رابرت ماندل، نیز در کتاب معروف «چهره متغیر امنیت ملی» تقسیم‌بندی دیگری داشته و از عناصر امنیت ملی نام برده است. مفروض ماندل سست شدن ارکان اصلی دولت مدرن و در عوض، ظهور جهانی شدن و در رسیدن دورانی پیش‌بینی‌ناپذیر است که در آن سهم بازیگران فراملی و فروملی افزایش یافته، منطق عمل شبکه‌ای شده و فناوری جنگ، دگرگونی جدی یافته است (ماندل، ۱۳۷۹: ۱۷) که این وضع، نظریه‌پردازی جدید را

ضروری می‌سازد. عناصر امنیت ملی مانند شامل امنیت نظامی، اقتصادی، منابع، محیطی، سیاسی و فرهنگی می‌شود (همان: ۷۷).

۶. امنیت سیاسی در ایران در سده معاصر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی

سپهر سیاست در ایران در سده معاصر به شدت غبارآلوده و پرابهام بوده است. به‌ویژه از نهضت ناتمام مشروطیت به بعد، غلظت غبار در جو سیاسی ایران بیشتر شد و امکان تشخیص و تمایز میان جریان‌های سیاسی را دشوارتر کرد. جریان‌های سیاسی با مضامین نوخواهی (تجدد)، ملی‌گرایی، جمهوری‌خواهی، عدالت‌طلبی و مردم‌گرایی یکی پس از دیگری پای به میدان سیاست پرتلاطم ایران می‌گذاشتند، هیجان‌ها و موج‌هایی را برمی‌انگیختند، نگاه‌هایی را متوجه خویش می‌ساختند و از تعامل مجموعه آن‌ها با حاکمیت داخلی و قدرت‌های خارجی، شکل و شمایل سیاست ایران پدید می‌آمد (صفا هرندی، ۱۳۹۱: ۹).

گندم‌نمایی و جوفروشی در یک روند صدساله تبدیل به انباشت تجارب منفی در تاریخ معاصر ما شده است. به این معنا که به‌ویژه در میان نسل جوان و علاقه‌مند به سیاست، معمولاً پس از یک دوره سیاست‌زدگی به سیاست‌گریزی و بی‌تفاوتی انجامیده است. این سیکل معیوب سیاسی همواره در سده اخیر تاریخ ما تکرار شده و لطمات بزرگی به کشور زده است. در این تجربه تاریخی، سیاست به دیواری بلند فراتر از افق دید افکار عمومی تشبیه می‌شود. غبارآلودگی، بلند کردن تابلوهای غلط‌انداز و بر چهره زدن صورتک‌ها و نقاب‌های خلاف واقع و درنهایت عدم دقت در تقسیم‌بندی قطب‌های سیاسی، همه آن چیزی است که معماگونگی و رازآلودگی سیاست در تاریخ معاصر ایران را پدید آورده است.

همچنان آن تابلوهای گوناگون و خوش‌رنگ و نما در بازار سیاست ما غوغا می‌کنند. چگونه می‌توان از سیاست رازگشایی کرد و آن را از معماگونگی خارج ساخت؟ نسبت هر یک از جریان‌های سیاسی با دیگران در پس کش‌وقوس‌های سطحی کدام است؟ آن‌ها در سنت تاریخی یک‌صدساله چگونه با یکدیگر تعامل یا تقابل کرده و خود دستخوش

کدام تحول و تطور یا تناقض و بی‌ثباتی و التقاط شده‌اند؟ هر یک از این جریان‌ها چقدر ملی‌گرایانه یا ضدملی، نوظهورانه یا مرتجع و پیراسته یا التقاطی سیر کرده‌اند؟ پس از انقلاب اسلامی که خود یک ملاک و تراز بزرگ برای بازشناسی و تقسیم‌بندی جریان‌های سیاسی بود، اهمیت شفافیت سیاسی دوچندان شد؛ اما مع‌الأسف در برخی مقاطع به‌ویژه در دهه اخیر، برخی جریان‌ها بیش از آنکه فضای سیاسی را به سمت شفافیت و صراحت سوق دهند، میل به ابهام و ابهام کردند و ره به تناقض سپردند، موضوعی که در وضعیت حاد خود به نفاق می‌انجامد. اکنون پرسش این است که آیا از پس مجادلات روحیه‌سوز و تقسیم‌بندی‌های کم‌مایه جعلی (نظیر چپ-راست، اصلاح‌طلب-محافظه‌کار، میان‌رو-تندرو، دموکرات-اقتدارگرا) می‌توان واقعیت جریان‌ها و قطب‌بندی‌های سیاسی را دید؟ آیا می‌توان نقش‌آفرینان دوره‌های تیره و تار سیاست در ایران را چنان شناخت که دوران روشنایی را بدون رونق بازار «نقابداران» و «کم‌فروشان» ارمغان آورد؟ (همان: ۱۱).

۴. تحلیل یافته‌ها

تحلیل داده‌ها بر اساس نتیجه‌گیری حاصل از شناخت مؤلفه‌ها و نشانه‌های اصلی قدرت سیاسی معنا پیدا می‌کند.

بر اساس نتیجه‌گیری حاصله از روش تحلیل محتوا، مشارکت گسترده و همه‌جانبه برای این پژوهش به‌عنوان محصول پردازش و تحلیل به دست آمد و در فرایند تحلیل نشانه‌های کارکردی موضوعاتی، همانند امنیت، مشارکت، قدرت و نهادمندی سیاسی تبیین گردید که هر یک از این نشانه‌ها می‌تواند آثار تعیین‌کننده‌ای بر فرآیندهای مربوط به استحکام ساخت درونی قدرت به‌جا گذارد.

یکی از مؤلفه‌ها و نشانه‌های اصلی اقتدار مردم در جمهوری اسلامی ایران، قدرت معنوی است که نشأت گرفته از قرآن کریم و متون فقه است که در اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) تجلی پیدا کرده و معظم‌له قدرت ملی و اقتدار یک ملت را در ابعاد

مادی و معنوی با تأکید بر قدرت معنوی و متکی به ایمان و پایه‌های مستحکم عقیده، عشق مردم به خدا، به اولیای خدا و به پیامبر می‌دانند و خاندان پیامبر(ص) را بزرگ‌ترین ابزار و مایه قدرت برای کشور می‌دانند و در ابعاد مختلف قدرت؛ یعنی قدرت علمی و فرهنگی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت قضایی و قدرت دفاعی علاوه بر جنبه‌های مادی که این ابعاد هر مقدار در یک کشور دارای ریشه و عمق داخلی باشند و متکی به خود باشند تأثیرگذاری آن‌ها بر امنیت بالاست، از جنبه‌های معنوی هم؛ یعنی متکی به ایمان به خدا، اعتماد به نفس و پیروی از اولیاء خدا؛ یعنی ولی فقیه زمان و استفاده از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بومی در استحکام قدرت درونی کشور و اقتدار و افزایش امنیت ملی دارای جایگاهی مهم است که یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی، امنیت سیاسی است.

امنیت سیاسی مردم دارای ابعاد مختلفی می‌باشد که حفظ ارزش‌هایی همچون آزادی، شرکت در انتخابات، راهپیمایی‌ها، نشست‌های سیاسی و شرکت در احزاب و گروه‌های سیاسی از نمونه این فعالیت‌ها می‌باشد، میزان امنیت سیاسی مردم هرچه گسترده‌تر باشد، پایه‌های قدرت ملی مستحکم‌تر می‌شود. انقلاب اسلامی ایران مردمی‌ترین انقلاب صورت گرفته در دوران خود می‌باشد. مردم ایران از ابتدا در شکل‌دهی این انقلاب حضور داشتند و بعد از پیروزی نیز مدل حاکمیتی به رفراندوم گذاشته شد.

امنیت سیاسی مردم از همان ابتدا موجب شکل‌گیری احزاب و نشست‌ها و فعالیت‌های مختلف سیاسی گردید و مردم برخلاف نظام حکومتی قبل، خود را در ارکان حاکمیت و انتخاب کارگزاران تأثیرگذار دیدند؛ از این‌رو انگیزه و رغبت آحاد جامعه نسبت به فعالیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی افزایش یافت. همان‌طور که در این پژوهش عنوان شد؛ امنیت سیاسی مردم در هر نظام سیاسی، مهم‌ترین ارکان قدرت در آن نظام می‌باشد؛ چراکه هرچه مردم خود را در فرایند سیاسی کشور سهیم بدانند، در مواجهه با مشکلات و معضلات کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درک بهتری از مسائل پیش‌رو خواهند داشت. احساس مسئولیت نسبت به مسائل و اتفاقات جامعه، روحیه صبر و شکیبایی مردم را افزایش خواهد داد.

تجربه هشت سال جنگ تحمیلی و مقاومت مثال‌زدنی مردم ایران با وجود سخت‌ترین و سنگین‌ترین تحریم‌ها، حمایت و مقاومت مردم در به رسمیت شناخته شدن انرژی هسته‌ای و چندین مورد دیگر از جمله مصادیق بارز قدرت ملی ج.ا.ا می‌باشد. دشمنان جمهوری اسلامی ایران در طول چندین سال، همواره به طرق مختلف سعی در ایجاد تزلزل در پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران داشتند؛ ایجاد تفرقه و دودستگی در میان اقوام و گروه‌های مردم از طریق رسانه‌های جمعی و القای این تفکر که مردم در تعیین سیاست‌های کلی نظام و انتخاب کارگزاران نقشی ندارند.

تحلیل فرآیندهای قدرت‌ساز بر اساس امنیت سیاسی نیازمند ایجاد نهادهای باثبات و نسبتاً پایدار است. ایجاد تشکیک در ارکان و اهداف اصلی نظام ج.ا.ا، نفوذ در بدنه سیاسی نظام و کارگزاران حکومتی، ایجاد بی‌اعتمادی و القای ناکارآمدی نظام، از مهم‌ترین رویکردهای نظام سلطه در جهت نفوذ و تزلزل پایه‌های نظام ج.ا.ا می‌باشد. رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با نفوذ و تأثیرگذاری دشمن در میزان امنیت سیاسی مردم دارای جنبه‌های مختلفی می‌باشد.

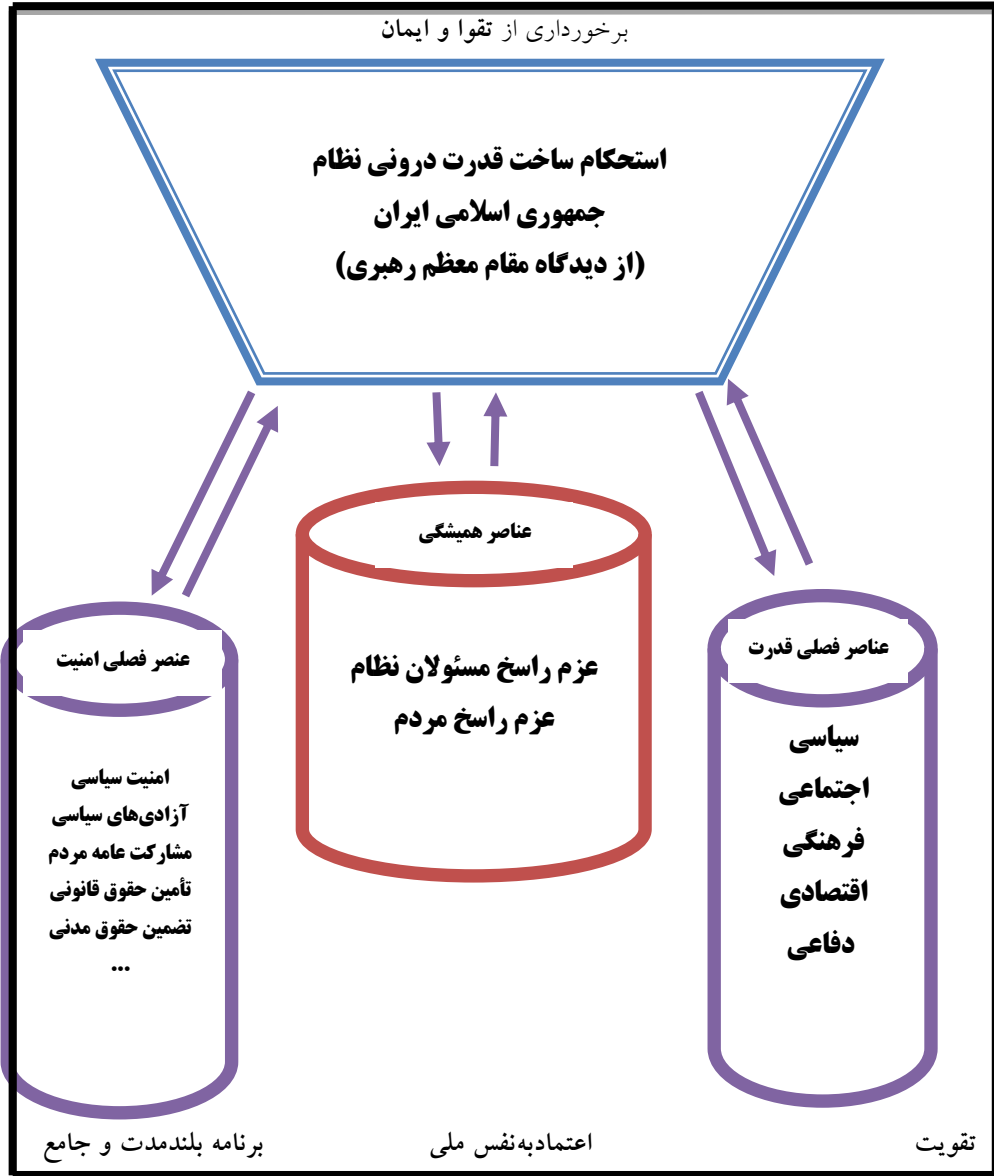
آگاه‌سازی مردم نسبت به اهمیت و نقش مشارکت آنان در فعالیت‌های سیاسی به‌ویژه انتخابات شوراها، مجلس و ریاست جمهوری، - چراکه آگاهی‌های عمومی نقش بسیار مهمی در توسعه مشارکت مردمی دارد- ایجاد حس اعتماد از طریق مدیریت درست و پاسخگویی به مردم، سامان بخشیدن به مسائل اجتماعی، اقتصادی و معیشت مردم جامعه، توجه به خواسته‌ها و نیازها و سعی در حل معضلات کشور می‌تواند انگیزه امنیت در مسائل سیاسی و حس مسئولیت‌پذیری را در افراد افزایش دهد و پیوند مردم و مسئولین را مستحکم کند که این امر بر احساس امنیت سیاسی می‌افزاید.

با توجه به مدل مفهومی ذیل می‌توان نقش امنیت سیاسی در استحکام ساخت قدرت ملی را مورد توجه قرار داد. در مدل مفهومی می‌توان نشانگان مربوط به آزادی‌های سیاسی، مشارکت عامه مردم، تأمین حقوق قانونی، تضمین حقوق مدنی و رضایت‌مندی، آگاه‌سازی، نهادسازی و کنترل ادراک را به‌عنوان زیربنای فرآیندی دانست که زمینه‌های

لازم برای اقتدار را به وجود می آورد. اقتدار به مفهوم قدرت مشروع و باثبات محسوب شده که در فرآیند امنیت سیاسی حاصل می گردد.

تفکر بسیجی و رفتار جهادی

برخورداری از تقوا و ایمان



مدل مفهومی پژوهش

۵. نتیجه گیری و پیشنهادات

الف) نتیجه گیری

جستاری بر تاریخچه امنیت سیاسی در جوامع غربی و اسلامی با عطف به اینکه گذشته چراغ راه آینده محسوب می‌گردد، منجر به ارتقاء افق بینش، دانش و منش تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان حوزه امنیت سیاسی گردیده و آنان را برای بهره‌گیری از فرصت‌های تجربی گذشته اعم از موفقیت‌ها و یا شکست‌ها مصمم‌تر می‌نماید.

با عطف به موارد ذکر شده باید اذعان نمود که دلالت‌های سیاسی مفهوم امنیت در قرآن، چندان تفاوتی با مفهوم عام آن ندارد، یعنی اینجا هم دلالت بر عدم خوف و امنیت در حوزه فعالیت‌های سیاسی دارد؛ اما مفهوم آن، صبغه‌ای خاص می‌یابد چراکه مبتنی بر تحقق آرامش (طمأنینه) در همه اموری است که با ابراز وجود سیاسی در جامعه اسلامی مرتبط است. این آرامش و امنیت با دو امر به‌هم پیوسته و یکپارچه تحقق می‌یابد.

- ایجاد توازن میان کسی که قدرت مشروع را در دست دارد و میان کسی که به موجب اصل اطاعت از حاکم در معروف به قدرت او گردن می‌نهد. به این ترتیب، نظام سیاسی تنها برای اعمال حقوق حاکمان نمی‌کوشد، بلکه در همان حال به حقوق ملت نیز ملتزم و متعهد است.

- تضمین آرامش و امنیت و قدرت بر رویارویی با حوادث ناگهانی مترقبه و غیرمترقبه، بی‌آنکه این امر موجب هیچ‌گونه ناآرامی و اضطرابی در اوضاع حاکم در جامعه سیاسی شود؛ یعنی تضمین امنیت و آمادگی برای اوضاع ناگهانی نباید منجر به کاهش دامنه امنیت و آرامش مردم شود. به‌طور کلی امنیت سیاسی زمانی می‌تواند برقرار گردد که عدالت در جامعه برقرار گردد. البته، عدالت با کلیه ابعاد امنیت در تعامل است و لکن اجرای عدالت توسط کارگزاران سیاسی باعث تعادل ثبات استقامت و پایداری و امنیت نظام سیاسی خواهد گردید.

پیامبر مکرم اسلام (ص) تحقق امنیت سیاسی در جامعه را حضور گسترده مردم در مناسبت‌های مختلف قلمداد نموده و از افکار و اندیشه‌های شهروندان برای حل بحران‌ها

و مسئولیت‌پذیری آنان در قبال رویدادها و روندهای سیاسی جامعه به‌خوبی استفاده کرده و نتایج مثبتی را نیز از این‌گونه رفتار سیاسی خود می‌گرفتند.

بنابراین، یکی از مؤلفه‌های ایجاد جامعه امن و ضابطه‌مند، صیانت و اجرای صحیح قوانین است، از این‌رو قوه مجریه در ساختار حکومت‌ها اهمیتی ویژه دارد و دولت‌ها باید قوانین را به صورتی دقیق اجرا کنند و برای منافع شخصی و جناحی خود، قانون را خدشه‌دار نکنند و با حاکمیت قانون و اجرای عادلانه آن، جان و مال افراد جامعه را از تجاوز متجاوزان صیانت کرده و عدالت اجتماعی را تحقق بخشند.

مراد از امنیت سیاسی، اطمینان شهروندان به احقاق حقوقشان از سوی دولت است. افراد جامعه هنگامی که از امنیت شخصی، عمومی و اجتماعی‌شان از جانب دولت اطمینان حاصل کنند، به امنیت سیاسی دست یافته‌اند. امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظام‌های دولت و ایدئولوژی‌هایی که به دولت‌ها و حکومت‌ها مشروعیت می‌بخشد، برمی‌گردد. این امر زمانی تأمین می‌شود که افراد، جدا از تفاوت‌های زبانی، فرهنگی، قومی، مذهبی و نژادی، به‌صورت برابر در حمایت قانون قرار گیرند و در قضاوت و اجرای قانون نیز این برابری لحاظ شود.

ب) پیشنهاد

استحکام ساخت درونی قدرت و امنیت سیاسی در زمره موضوع‌های راهبردی کشورهای انقلابی و مستقل محسوب می‌شود. در شرایطی که رویارویی استکبار با نظام ج.ا.ا در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به‌صورت جدی و علنی شده است و دشمن درصدد سست کردن اراده مردم و ایجاد شکاف و گسست بین مردم و مسئولین و تضعیف رکن اساسی قدرت در نظام ج.ا.ا؛ یعنی بی‌تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت کشور و خود و از بین بردن اقتدار است، استحکام درونی قدرت با نگاه امنیت سیاسی ضروری است، لذا با توجه به یافته‌های تحقیق، عوامل مؤثر در استحکام درونی قدرت و امنیت سیاسی، توجه اساسی و همه‌جانبه از سوی کلیه اقشار جامعه به‌خصوص

مسئولین رده‌های مختلف مدیریتی به شاخص‌ها و عناصر کلیدی مورد نظر در بحث استحکام بخشی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، از جمله موضوعات علم و فناوری (که موجبات ایجاد اقتدار پایدار را در پی دارد)، اقتصاد درون‌زا، توجه به داشتن تفکر بسیجی و رفتار جهادی، لزوم برخورداری از تقوا و ایمان، ضرورت توجه به ایجاد اجماع و اراده عمومی، همکاری قوای سه‌گانه و درنهایت تدوین برنامه بلندمدت و جامع در تمامی بخش‌ها می‌تواند منجر به ثمربخشی کوتاه‌مدت و میان‌مدت، در کلیه سطوح و بخش‌های کشور به سمت راهبردی‌سازی اقدامات هدفمند در بلندمدت شده و به استحکام بخشی هرچه بیشتر پایه‌های مستحکم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تحت زعامت مقام عظمای ولایت منجر شود. باید توجه داشت که اقدام در راستای تقویت ساخت درونی کشور بایستی با در نظر گرفتن تمام جوانب مسئله باشد و کوشش در این راستا در صورتی که به نتیجه خواهد رسید که با همکاری و همدلی همه آحاد ملت و مسئولان صورت پذیرد که این مهم بدون رعایت حقوق‌های مشروع فردی و گروهی به‌خصوص در حوزه‌های سیاسی و وجود امنیت در همه حوزه‌ها به‌خصوص امنیت سیاسی افراد و گروه‌ها مقدر نخواهد بود مگر این که همگی با عزم جدی در این وادی قدم بردارند تا تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه پیشرفت مطلوب کشور در شرایط کنونی بایستی با در نظر گرفتن معیارهای ویژه جمهوری اسلامی و حرف نو اسلام در زمینه‌های اخلاق، معرفت الهی، امنیت و... باشد، محقق گردد. در این راستا لازم است موارد زیر در جامعه توسط مسئولین مورد توجه و اقدام قرار گیرد:

۱. حفظ ارزش‌هایی همچون آزادی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت، برگزاری انتخابات آزاد، خدمت به مردم و برادران دینی
۲. افزایش آگاهی سیاسی و بصیرت مردم برای حضور فعال در صحنه‌ها و مشارکت سیاسی و دادن امید به آینده
۳. تقویت روح ایمان و عمل صالح و ولایت‌پذیری که اصل تصدی امور مسلمین از طرف خداوند به پیامبر و ائمه و درنهایت ولایت‌فقیه است که این امر باعث

آرامش بخش مردم و تقویت کننده توان برخورد با مشکلات و احساس امنیت می شود.

۴. حفظ اقتدار قوه قضائیه در حل و فصل اختلافات و حاکم کننده عدل در مقابل ظلم، تجاوز، فساد و اجرای قانون بدون تبعیض و برابری مسئولین و مردم در برابر قانون

۵. ایستادگی و عدم سازش در برابر دشمنان انقلاب اسلامی و بالا بردن عزت مردم در مقابله با دشمن و توجه به قدرت در همه ابعاد که منشأ همه آن ها علم است که مایه قدرت و ثروت می شود و توجه جدی به عالم پروری و انتخاب مسئولین بر اساس علم و تقوا و بر ضوابط که باعث افزایش قدرت سیاسی و جامعه سیاسی سازمان یافته، برای اداره امور مملکت از قبیل قانون گذاری اجرا و نظارت و کنترل می شود و این فرآیند در استحکام درونی قدرت بسیار مؤثر است.

۶. -تقویت روح و تفکر بسیجی و رفتار جهادی و اعتماد به نفس ملی در جامعه از طریق عمل انقلابی مسئولین

فهرست منابع و مآخذ

- افتخاری، اصغر و شعبانی، ناصر (۱۳۸۹)، «قدرت نرم، نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب الله و جنگ ۲۲ روزه غزه»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- انقلاب اسلامی و استحکام بخشی ساخت درونی قدرت، تاریخ ۱۳۹۳/۰۱/۰۹ - <http://rasekhoon.net>
- اهمیت استحکام بخشی ساخت درونی کشور و تأکیدات رهبر معظم، کد خبر: ۱۲۳۷ - <http://sageb.ir>
- بیانات در دیدار با شرکت کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۲/۰۷/۱۷.
- بیانات در دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹.
- بیانات رهبری در جمع کارکنان پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان، ۱۳۷۱/۰۷/۱۸.
- بیانات رهبری در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز - سال ۱۳۸۷.
- بیانات رهبری در دیدار با اقشار مردم و کارکنان وزارت پست و تلگراف و تلفن - سال ۱۳۷۰.
- بیانات رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۱/۰۸/۲۲.
- بیانات رهبری در دیدار با اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳.
- بیانات رهبری در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.
- بیانات رهبری در دیدار با اساتید و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.
- بیانات رهبری در دیدار با اعضای هیئت دولت - تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.
- بیانات رهبری در دیدار با رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳.
- بیانات رهبری در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹.
- بیانات رهبری در دیدار با مسئولان نظام - تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۳۰.
- بیانات رهبری در دیدار با نخبگان جوان دانشگاهی - سال ۱۳۸۵.
- بیانات رهبری در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۰۸/۱۲.
- بیانات رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران - سال ۱۳۸۴.
- بیانات رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران - سال ۱۳۸۱.
- بیانات رهبری در دیدار با شرکت کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۲/۰۷/۱۷.
- بیانات رهبری در دیدار با مردم آذربایجان، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸.
- بیانات رهبری در دیدار مردم اراک - سال ۱۳۷۹.
- بیانات رهبری در دیدار با مردم اردبیل - سال ۱۳۷۹.

- بیانات رهبری در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶.
- بیانات رهبری در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸.
- بیانات رهبری در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری آجا، ۱۳۹۲/۰۷/۱۳.
- پاسخ رهبر انقلاب به ۱۱ پرسش درباره استحکام ساخت درونی، ۱۳۹۲/۱۱/۱۶ - برگرفته از سایت <http://www.ammarname.ir/>.
- پیام نوروزی مقام معظم رهبری - سال ۱۳۸۸.
- پیام نوروزی مقام معظم رهبری - سال ۱۳۸۱.
- جعفری پناه، مهدی و میراحمدی منصور (۱۳۹۱)، مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی، معرفت سیاسی سال چهارم، شماره دوم، ص ۱۰۵.
- جوانی، یدالله، اقتصاد درون‌زا و ساخت درونی قدرت، سایت صبح حضور، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ - شناسه ۵۱۵۰.
- زرشناس، شهریار (۱۳۷۸)، «اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران»، تهران: سازمان انتشارات کیهان، چ دوم.
- سوره اعراف، آیه ۹۶.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، «جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم»، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی - دفتر گسترش تولید علم.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰)، «صحیفه نور»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.